



ناجی خود ما انسانها هستیم خدایی در میان نیست گفتگو با آزاد زمانی

بی خدایان: چرا دین در بین مردم نفوذ دارد؟

آزاد زمانی: دین یک پدیده اجتماعی است مانند دیگر پدیده های جامعه بشری، مثل فقر، جنگ و اعتیاد. با این تفاوت که دین در لباس معنویت و روحانیت بر سایر پدیده ها اعمال نفوذ می کند و سیطره دارد. ناتوانی های انسان را بر دیگر پدیده ها طبیعی و اجتماعی توجیه می کند. دین چیزی غیر از "خود فریبی" انسان در برابر ناتوانی های خویش نیست. هنگامی که انسان در برابر قدرت های مافوق خویش مستاصل می شود در ذهن و خیال خویش چاره اندیشی می کند دنبال راهی میگردد راهی که در نهایت به ماورای خویش و غیرقابل دسترس است. در مواجه شدن با وقایع و دیگران تصورات خود را بازگو میکند و دیگران را به تمکین و باور کردن آنچه که در ذهنش پرورانده است

کلیسا از سرچشمه گنبدیده و ضد کودک است!

سکس در بین مقدسین و نزدیکان به خدا

کلیسای کاتولیک در بوستون ایالت ماساچوست آمریکا سوژه داغ رسانه ها و موضوع نفرت و انزجار افکار عمومی در نیمه اول سال ۲۰۰۲ بود. کاردینال اعظم برنارد لا طی 10 سال گذشته مبالغه قابل توجهی از اموال کلیسا از قبیل ۶۰ درصد سهام و ۹۸ درصد سپرده ها و برخی از مستغلات کلیسا را فروخته و بابت غرامت به قربانیان سو استفاده های جنسی کشیشان کلیسا پرداخته است. در بوستون، کاردینال مزبور و کلیسای کاتولیک مالک ۲۴۹ قطعه مستغلات هستند که قیمت آنها بالغ بر ۲۲۰ میلیون دلار است. در ایالت تگزاس در شهر دالاس نیز در سال ۱۹۹۸، کاردینال کلیسا ۲۳ میلیون دلار غرامت به قربانیان شاکی پرداخته است. در اواسط ۱۹۹۰ نیز در شهر سانتافی هم ۴۰ میلیون دلار غرامت به قربانیان جنایات کلیسا پرداخت گردید. در سال ۱۹۹۸، در کالیفرنیا دو برادر که توسط کشیشی به نام اولیور فرانسیس اوگریدی به مدت بیش از ده سال مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته بودند، ۳۰ میلیون دلار غرامت دریافت کردند.

از ژانویه ۲۰۰۲ تا اواسط ژوئن همانسال، ۳۰۰ کیس آزار جنسی در ۱۶ ایالت آمریکا علیه مقامات کلیسا به دادگاه ارائه شده است. قضیه افتضاحات در بوستون، وقایع مشابه و مکرر در ایالات دیگر را بر ملا کرد. چند صد کیس هم تاکنون بطور غیررسمی حل و فصل شده اند. انتظار می رود که چند صد کیس دیگر شکایت از کلیسا به

در صفحات دیگر:

برنامه نوین: سکولاریسم چند گانه

قیامت، بهشت و جهنم در قرآن و اسلام

عروج علوم از تاریخ فلسفه غرب

عضو انجمن بی خدایان بشوید!



اعظم کم گویان

اخیرا پاپ بندیکت شانزدهم، برای یک سفر شش روزه وارد آمریکا شد و جورج بوش از وی بطور بیسابقه ای استقبال کرد. پاپ بندیکت شانزدهم هنگام سفر به آمریکا، در صحبت با خبرنگاران در هواپیما گفت نخواهد گذاشت آزاردهندگان جنسی کودکان، به کسوت کشیشی در آیند. او گفت که کلیسای کاتولیک هر آن چه را که در توان دارد، برای التیام دادن آسیبی که این کشیشان وارد کرده اند، انجام می دهد.

طی سال های اخیر، کلیسای کاتولیک آمریکا درگیر صدها رسوایی بزرگ مربوط به آزار جنسی کودکان توسط دست اندرکاران رده بالای خود و مقامات بیشماری در سلسله مراتب کلیسا بوده و این کلیسا برای حل این ماجراها تا کنون حدود دو میلیارد دلار غرامت پرداخته است. ماجرای لاپوشانی افتضاحات اخلاقی کلیسای کاتولیک توسط کاردینال اعظم

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

در ایرلند، استرالیا، ایالت‌های دادگاه ارائه شود. هر روز تعدادی در مناطق مختلف آمریکا شکایت می کنند. آگاهان می گویند که حل و فصل این شکایات سالها طول می کشد. تاکنون در نیویورک ۶۰ کیس، در کنتاکی ۱۲۲، در ماساچوست ۷۳، نیوهمپشایر ۴۱ و در کالیفرنیا اخیرا ۲۵ مورد دیگر از کلیسا به دادگاه شکایت شده است و این روند مستمرا ادامه دارد. در شیکاگو کاردینال ها مشغول فروش سهام و مستغلات کلیسا برای پرداخت مخارج شکایات از آزار جنسی کشیش ها هستند. حدود ۲۵۰ کشیش کلیسای کاتولیک در سراسر آمریکا اخراج شده یا استعفا داده اند. کلیساها دچار بحران همه جانبه شده اند. از سالهای دهه ۱۹۸۰ که افتضاحات آزار جنسی کشیشان شروع به رو شدن کرد، کلیسای کاتولیک مبلغی حدود ۳۰۰ دلار تا ۱ بیلیون دلار بابت حل و فصل شکایاتها پرداخته اند. طی چند سال گذشته مردم روزمره شاهد اخبار افتضاحات ضد اخلاقی مسئولین و رده های مختلف ناشی از رابطه جنسی و آزار کلیساهای کاتولیک و پروتستان را

در ایرلند، استرالیا، ایالت‌های متعدد در آمریکا، کانادا، انگلستان، اسکاتلند، آفریقای جنوبی، ایتالیا و لهستان درج کردند. این وقایع نه فقط موجب ورشکستگی مالی بلکه اساسا نشانه ورشکستگی اخلاقی و بی اعتباری مطلق کلیسای دستگاه کلیسا و مسیحیت هستند.

جد و جهد پاپ در سفر به آمریکا برای مشروعیت اخلاقی دادن به مسیحیت و سیستم کلیسا و سلسله مراتب آن و تدام نفوذ جهانی و ضد بشری این نهادهاست. برای این است که کودکان دبستانی و نسلهای بعد در کتابهای درسی بخوانند که پاپ و مسیحیت از آنچه که مقدسین این دین در قرن 21 بر سر کودکان بیگناه و انسانها می آورند، متاسف است و می خواهد از بروز آن در آینده جلوگیری کند. این تلاشها برای مشروع و تطهیر کردن خدا، مسیحیت و اخلاق مسیحی است.

بدترین نمونه جنایت در حق کودکانی است که از ابتدائی ترین ابزار برای دفاع از خود محروم هستند. علائم و زخمهای آزار شده، خود را مرجع تشخیص خیر و شر مردم و سعادت اخلاقی خود

گناه و دردی که کودکان بخاطر تجاوز جسمی متحمل می شوند، بلافاصله آشکار و علنی نمی شوند، بخصوص که غالبا شهادت متجاوزین که مقامات سلسله مراتب مذهبی هستند بر شهادت کودکان ترجیح داده می شوند. در این مورد کشیش ها، اسقف ها و کاردینال های کاتولیک و پروتستان ید طولائی دارند و این عمل جنایتکارانه بخشی از تاریخ آلوده و ضد انسانی مسیحیت است. در دین اسلام، محمد پیغمبر آن که مظهر تمام فضایل این دین محسوب می شود، با ازدواج با عایشه ۹ ساله بدترین نمونه های پدوفیلی و آزار کودکان را ارائه داده است. آزار کودکان تا قرن ۲۱ باید به تاریخ و موزه ها سپرده می شد، اما ما شاهد وقوع و تکرار بدترین نمونه های آن هستیم.

این وقایع نمایش مکرری از تاریخ ننگین دستگاه مسیحیت، و تبلور بی اخلاقی عمیق این نهاد ضدبشری است. این موجودات وحشی که عمل شنیع سو استفاده جنسی از کودکان در طول تاریخ ۲۰۰۰ ساله مسیحیت جز ذات شان شده، خود را مرجع تشخیص خیر و شر مردم و سعادت اخلاقی خود

جامعه هم جا می زنند. اینها یکی از وظایف الهی شان پایمال کردن حقوق و آزادیهای جنسی مردم است و نیازهای جنسی نرمال و انسانی زن و مرد را از زبان خدا و کتاب الهی و کلیسای شان معصیت می دانند، کودکان بیگناه را قربانی تمایلات جنسی بیمار و ارضای روان درهم پیچیده خود می کنند.

اینها باید تاوان اعمال شنیع خود و بی اخلاقی عمیق اصول ضد انسانی مسیحیت را به جامعه بشری پس بدهند. افزایش این رسوائیها و محاکمه این روحانیون، اولین قدم است. مردم باید از شر فساد و ریاکاری دائمی روحانیت و اخلاقیات رسوای دینی و پاپ و دستگاه مسیحیت خلاص شوند!

سو استفاده جنسی از کودکان جرم سنگینی است که این موجودات مخوف و منحط باید بخاطر آن شدیداً مجازات شده و در انظار مردم بی آبروتر و رسواتر شوند. دست دین باید از همه جنبه های زندگی کودکان کوتاه شود! بدون خدا و دین جهان جای بهتری برای زندگی کردن است!

بدون خدا و دین انسانیت آسوده می شود!

عضو انجمن بی خدایان شوید!

مردم به تنگ آمده از اسلام، بی خدایان! آزاد اندیشان!

انجمن "بی خدایان" می خواهد سخنگوی جنبش ضد مذهبی باشد که برای رهایی از اسلام و اسلام زدایی از ایران و خلاصی از یوغ دین مبارزه می کند. جنبشی که علیه حاکمیت اسلام و خدا و حکومت آنها بر انسان است. جنبشی که اصالت انسان را در مقابل دین و خدا قرار می دهد و آنها را از زندگی جامعه جaro می کند. ما می خواهیم در مقابل کلام و قانون خدا و آیت الله، در مقابل قانون سنگسار و منکرات و تفریبات و عزاداری و حجاب و آپریتید جنسی- کلام و قانون انسان و آزادی او را قرار دهیم. ما پرچم دفاع از حرمت انسان را با دفاع از او در مقابل دین، اسلام و خرافات بلند میکنیم.

مردم! عضو انجمن بی خدایان شوید و بی خدایی را به هر شکلی که میتوانید تبلیغ کنید!

نشریه بی خدایان را تکثیر و پخش کنید و بدست دیگران برسانید!

با ما تماس بگیرید به ما بپیوندید و جنبش رهایی از اسلام و بی خدایی را گسترش دهید.



از صفحه ۱

دولت حامی نهادهای فرقه ای و دینی را از اریکه قدرت خلع مسولیت کرد، باید نهادهای مذهبی را درهم کوبید، باید منادیان آموزش های دینی را بعنوان عاملین تحمیل رنج و خرافه و خشونت بر بشر افشا کرد، باید دین بعنوان پدیده شوم و خطرناک مورد پیگرد بشریت متمدن قرار گیرد. نبرد بشریت متمدن با مذهب بخشی از تلاش جمعی انسان امروز برای خلاصی از وضع نابرابر و غیرانسانی حاکم بر جامعه بشری است به هر اندازه مبارزه جمعی انسانها برای رفع فقر و فلاکت، خشونت و تبعیض اقتصادی و غیره پیش رود به همان اندازه مذهب از دایره زندگی اجتماعی انسانها عقب می نشیند. دین هیولای تباهی انسان است. تنها با قدرت و کارجمعی می شود این هیولا را از پای درآورد. با اندیشه های انسانی و برابری طلبانه میشود به جنگ با خرافات پرداخت. کمونیزم ملزومات نظری و عملی پیکار علیه دین و خرافه را همچون دیگر پدیده های ضد بشری فراهم میکند سازمان میدهد. گسترش کمونیزم در جامعه و سازماندهی کمونیزم اجتماعی عرصه را بر دم و دستگاهای دینی تنگ میکند. کمونیزم حنبش مهار کردن شرارت و دفع آفات دینی از چهره جامعه است. کمونیزم حنبش خلاصی انسان از جهل و نادانی است. کمونیزم می تواند عنان مهار را بر دهان منادیان و مبلغین دینی و مذهبی بزند. کمونیزم خود آگاهی انسان برای غالب شدن بر ناتوانیهای خویش است. عروج کمونیزم در جامعه به معنای رخوت و خروج از تباهی دینی و خرافی است.

بی خدایان: آیا بین اسلام و ادیان عمده دیگر از قبیل مسیحیت، یهودیت و ... از نقطه نظر رسالت اصلی ادیان از قبیل ستمگری بر زن و سرکوب حقوق انسانی، فرقی می بینید؟ آیا اسلام ویژگی دارد یا بدتر از مذاهب دیگر است؟

آزاد زمانی: فارغ از تسلسل تاریخی پیدایش ادیان، کارکرد و رسالت دین بطور کلی چیزی جز توهم پراکنی و استیصال بشر در مواجهه با پدیده های ناشناخته و مقتدر دنیای پیرامون خود نبوده است. هر کدام از ادیان در عصر سیادت خویش نسبت به نوع بشر تحقیر و تبعیض روا داشتند. در دایره اقتدار دین مسیح گردن زدند. به دار آویختند مسیحیان میگویند "زن از طرف چپ مرد آفریده شده است". همانطور که در دایره اقتدار دین یهود بر سر زنان حجاب انداختند و انسان متمدن را به صلیب کشیدند. دین اسلام دامنه توهمات را به عرش اعلا ارتقا داد. با قدرت شمشیر و گردن زدن بلاد اسلامی را مرعوب قدرت خدا کرد. در حکومت اسلامی زن نصف مرد اعلام شد و مخالفت با حکومت اسلام کافر و محلد لقب گرفت و لشکر اسلام خون انسان کافر را مباح بر شمرد. اسلام همه مشکلات بشر را به قضا و قدر نسبت داد. فقیر و غنی را امری از نعمات الهی بر شمرد و عدالتش را به روز محشر حواله کرد. هیچ کدام راهی برای نجات بشر نبودند ادیان غیر از تمکین و سر نهادن بر سر نوشت تغییر ناپذیر در رکاب حاکمان مشروع خدایان زمین و آسمان راهی دیگر را فراروی بشر ننهادند.

تا آنجا که به دامنه جغرافیایی و جنبشی دین اسلامی بر میگردد دین اسلام فراتر از ادیان دیگر در ابعاد زندگی افراد جامعه دخالت کرده و نقش بازی میکند.

امروز اسلام قدر قدرت ادیان است. حکومت میکند، دخالت سیاسی میکند، جنبش دارد. ترور میکند، زن و کودک را سلاخی میکند، احکام شریعت توسط مجریان اسلامی در محل کار و زندگی مردم به اجرا در می آید. یک وجه متمایز دین اسلام با دیگر ادیان این است که حریمی برای دخالت اجرای شریعت اسلامی وجود ندارد حتی بالاتر از حقوق اسلامی به رسمیت شناخته نمی شود. اسلام یون معاصر از تمامی تکنولوژیهای مدرن امروز برای باز تولید و باز خور کردن آموزه های خود استفاده میکنند.

اسلامیون با درست داشتن قدرت مالی و ابزارهای سرکوب

تعیین می کند. دین جهانی بینی فرا مادی انسان برای تفسیر ناتوانی ها خویش است در ورای واقعیات عینی متدین و متصور قدر قدرت می شود. این پروسه خود منجر به سالک و مسلک پروری می شود. سنت و روش می شود. تولید و باز تولید می شود. آموزش داده می شود و بصورت امروزی دین در ابعاد زندگی افراد جامعه نفوذ میکند. دین، دستگاه تعقیب انسان به ایمان آوردن به ناتوانی هایی خویش است. کارکرد دین "خود فریبی و تمکین" است.

اگر از نگاه جامعه شناسی به بررسی چون و چرا ی نفوذ دین بپردازید متوجه خواهید شد که دین چه معجونی بدرد نخور و سحر آمیز در زندگی اجتماعی است. پدیده ای غیر قابل اندازه گیری و ملموس است شبی که بر زندگی افراد جامعه سایه افکنده است و بشریت را مرعوب خود کرده است.

همه جا سایه افکنده است بر همه مشکلات و عوارض زندگی بشر سیطره دارد اعمال قدرت می کند ولی قادر نیست ابتدایی ترین مشکلات را حل و فصل کند. وقتی که به پناهنده مذهبی و دینی می رسی و جویای پروردگارانجی مشکلاتش می شوی تازه متوجه خواهید شد که دین، حلقه مبهم ناتوانی برای ناتوانی هاست.

توده مردم مرعوب قدر تند. امروزه دین بخشی از پدیده قدرت و ابزار توجیه قدرت درست حاکمان است. زندگی مردم یا از راه اعمال نیروی قهریه یا از راه اعتقاد به قضا و قدر و دین تمکینی اداره می شود. دین اختاپوس مهار توده هاست. ابزار سلب اختیار از انسان و تبدیل انسان به برده مطیع فرمان خدایان زمین و آسمان است.

چرا دین در بین مردم نفوذ دارد به خاطر اینکه مردم پناهی ندارند بخاطر اینکه صاحبان قدرت امروز مردم را تحت سیطره و انقیاد خود دارند. بخاطر اینکه دین آیه یاس و ناامیدی مردم است، به خاطر اینکه مردم در شکست و پیروزی شان نقش قدرتی را جستجو می کنند که دین قدر قدرت آن است.

اگر بیاید بدون دخالت دین زندگی مردم را سازمان دهید. اگر بدون دخالت دین زندگی مردم را مدیریت کنید اگر ناکامی های مردم را به کامیابی و آسایش تبدیل کنید اگر از استرس و فشار بر زندگی فردی و اجتماعی بکاهید و بگویید مردم دین به چه کاری می خورد بلافاصله می گویند دین ارزشی ندارد پیشیزی نمی آرزد دین فضول جامعه است.

مادامیکه مناسبات موجود بر زندگی مردم حکمفرمایی میکند و زندگی مردم تحت آموزه های دینی متابعت و تمکین به وضع موجود است دین در زندگی مردم نفوذ دارد و مردم را معتاد و مقید بخود میکند. دین ابزار انقیاد و تحقیر مردم است. رابطه نفوذ دین با جامعه چیزی جز رابطه حاکمان بر محکومان نیست. مردم هر آنچه در حاکمیت دخالت داشته باشند در سر نوشت خویش دخالت دارند و به همان اندازه از قدرت دین کاسته میشود. اگر روزی برسد که مردم به از خود بیگانگی در همه ابعاد زندگی پایانی دهند آن روز میشود از عدم نفوذ مذهب و دین سخن به میان آورد. به نظر من باید جامعه را از دست صاحبان مذهبی و دینی درآورد و به نفوذ جهل و خرافه پایان داد.

بی خدایان: چگونه می توان با ادیان سازمان یافته مبارزه کرد و به قدرت آنها مهار زد؟

آزاد زمانی: به نظر من یکی از اشکال مبارزه سازماندهی آگاهانه انسانها برای خلاصی از انقیاد و خرافات دینی است مادامیکه دین امروز در همه اشکال حکومتی، قانونی و آموزشی اعمال نفوذ میکند. مادامیکه منادیان دین و مذهب برای تداوم حیات خویش هرگونه مقاومت و کوششی را برای خلاصی از آموزه های دینی با ابزار ترور و خشونت سرکوب می کنند تنها راه مقابله مبارزه سازمان و آگاهانه در همه ابعاد علیه دستگاه حاکمان مذهبی است. باید مذهب را از قدرت پایین کشید، باید



منوچهر اسدیگی

قیامت ، بهشت و جهنم در قرآن و اسلام قیامت در قرآن

مأواش دوزخ است. سوره المزمّل آیه 14-17: روزی که بزلزله در آید زمین و کوهها و شوند کوهها تلّهای ریگ پراکنده - پس چگونه پرهیز خواهید کرد اگر کافرید روزی که میگرداند کودکان را پیران. سوره المعراج آیه 4-8: عروج می کنند ملائکه و روح سوی او در روزیکه هست مقدارش پنجاه هزار سال - روزی که باشد آسمان چون فلز گداخته. سوره الحاق آیه 14-17: و برداشته شود زمین و کوهها پس بهمزده شوند بهمزده شدنی یکمرتبه - و فرشتگانند در اطراف (آسمان) آن و بردارند عرش پروردگارت را ببالای سرشان در آن روز هشت فرشته. سوره التکویر آیه 1-2-3-4-5-6-7-8-10-11-12-13: آنگاه که آفتاب در هم پیچیده شود - و آنگاه که ستاره ها فرو ریزند - و آنگاه که کوهها مانند پر شوند - و آنگاه که شتران آبستن بار نهند - و آنگاه که وحوش حشر کرده شوند - و آنگاه که دریاها پر کرده شوند - و آنگاه که نفسها جفت کرده شوند - و آنگاه که دختران زنده در گور کرده پرسیده شوند که بکدام گناه کشته شدند - و آنگاه که نامه ها گشوده شود - و آنگاه که آسمان کنده شود - و آنگاه که دوزخ افروخته شود - و آنگاه که بهشت نزدیک کرده شود. سوره النازعات آیه 8-9-10-11-12-13-14-15-16-17-18-19-20: انروز ترسان باشد - چشمهائشان فرو رفته - میگویند آیا ما رد شده گانیم بحالت اول - پس چون آمد بالای مستولی بزرگ - و ظاهر گردانیده شود دوزخ برای کسی که ببیند - پس اما آنکه زیاده روی کرد در عصیان - و برگزید زندگانی دنیا را - پس بدرستی که دوزخش بود جایگاه (و) اما آنکه بیم داشت از مقام پروردگارش و منع کرد نفسش را از خواهش - پس بدرستی که بهشت باشد جایگاهش - و البته آیات تکراری بیشتری نیز وجود دارد که از ذکر آنها خودداری می شود

مفهوم آیات قیامت: بطور خلاصه معنی و مفهوم آیات مربوط به قیامت به وضوح میرساند که:

- در صور و بوقی دمیده میشود، ماه تیره میگردد، آفتاب در هم پیچیده میشود، درهای آسمان گشوده میشود، آسمان که چون فلز گداخته شده، کنده میشود و می شکافت و فرشته ها سرازیر میشوند، ستاره ها فرو میریزند، کوهها برکنده میشوند ریزه و ذره میشوند و با زمین به همزده میشوند، زمین بزلزله عظیمی در آورده میشود و هر آنچه در آنست بیرون می اندازد - شترهای آبستن بار می نهند، قبرها زیر و بر میشوند، آنچه در گورهاست برانگیخته میشود، خدا استخوانهای مردگان را جمع میکند و حتی انگشتهای مردگان را راست میکند، کودکان پیر میشوند، و از دختران زنده بگور شده سوال میشود، چشمها خیره میشود، انسانها بدنبال گریزگاه میگردند

• آنروز برای کافران بسیار دشوار است، در آنروز صفحه ۸

در بیش از هزار آیه قرآن در مورد قیامت، روز رستاخیز، روز حساب و روز شمار وعده داده شده و پاداش و کیفر اخروی، نوید و هشدار داده شده و با مژده بهشت و ترس از عذاب و شکنجه جهنم پیوسته مومنین را به رحمت خدا و کافران را به عذاب الهی وعده داده.

آیات قرآنی در مورد قیامت: سوره قیامت آیه 1-3-4-6-7-8-9-10-11-12-13: نه چنانستکه منکرین گویند سوگند میخورم بروز قیامت - آیا می پندارد انسان که جمع نخواهم کرد استخوانهایش را - آری توانائیم بر اینکه راست کنیم انگشتهایش را - میبرد که کی باشد روز قیامت - پس چون خیره شود چشم - و تیره گردد ماه - و جمع شود آفتاب و ماه - گوید انسان آن روز کجاست گریزگاه - نه چنین است نیست پناهی - بسوی پروردگارتست در آن روز جای قرار - خبر داده شود انسان در آن روز بآنچه پیش فرستاده و باز پس داده. سوره النبأ آیه 19 - 20: و گشوده شود آسمان، پس گردد درها - و روان گردانیده شود کوهها پس گردد سراب. سوره المرسلات آیه 8-9-10-11: (آنچه وعده کرده میشود) بوقوع آینده است پس آنگاه که ستاره ها محو شوند - و آنگاه که آسمان شکافته گردد - و آنگاه که کوهها برکنده شود. سوره الانشقاق آیه 1-3-4: آنگاه که آسمان بشکافت - و آنگاه که زمین کتنبه شود - و بیرون آید آنچه در آنست و خالی شود. سوره مدثر آیه 8-9-10: پس چون دمیده شود در صور - پس اینست آن روز روزی دشوار - بر کافران غیر آسان. سوره انفطار آیه 1-2-3-4: آنگاه که آسمان بشکافت - و آنگاه که ستاره ها فرو ریزند - و آنگاه که دریاها به هم راه داده شوند - و آنگاه که قبرها زیر و رو شود. سوره العادیات آیه 9: آیا پس نمیداند که چون برانگیخته شود آنچه در گورهاست. سوره القارعه آیه 4-5-6: و باشند کوهها چون پشم رنگارنگ و ازده - پس اما آنکه گران آمد سنجیدنهایش پس اوست در عیش پسندیده - و اما آنکه سبک آمد سنجیدنهایش پس

از صفحه ۱

به حکم خدا و دین در ایام کودکی زندانی شدم، طبق دستورات شریعت اسلام و خدا چندین بار در زندان تعزیز شدم، شلاق خوردم، خون خوردم و از فرط درد سرم را به زمین و دیوار کوبیدم. فریاد رسی نبود خدا هم نبود. کسی به دادم نرسید. ای داد بیداد!

برای رسیدن به عدالت تلاش کردم و خودم را ناجی خودم یافتم. در جامعه ای که حکم خدا جاری بود و دولت اسلامی حکومت میکرد همه چیز بود غیر از عدالت. غیر از رعایت حقوق انسان. غیر از اسایش و امنیت برای افراد جامعه. یا بایستی به این وضعیت تمکین میکردم و به خدا و حکومت و قوانینش که بانی همه مشقات زندگی اجتماعیم بودند گردن می نهادم. یا بایستی به قرون بردگیها یاغی می شدم.

راه خودم را انتخاب کردم. راهی بسوی انسان زندگی کردن را برگزیده ام. به دنیای بهتر فکر میکنم برای ساختن دنیای انسانی تلاش میکنم. ناجی خود ما انسانها هستیم خدایی در میان نیست.

و ارباب میلیونها مردم دنیا را مرید رفتارهای خشونت آمیز خود کرده اند. مردم از سر ناکامی های خویش توسط فریبکاران اسلامی تسخیر شده اند. در حالیکه گرویدن به ادیان دیگر زیاد جای تعریف ندارد. اسلام از لحاظ پویایی و دخالت گری و قدرت سازماندهی امروزه مافوق ادیان دیگر است. امروز بشریت بیشتر از همه ادیان دیگر از کارکرد دین اسلام رنج می برد.

بی خدایان: شما چگونه بی خدا شدید؟

آزاد زمانی: من از کودکی با رنج و مشقت زیسته ام. همیشه با ناامیدی ها و ناکامی ها جنگیده ام. لحظه به لحظه زندگیم بدنبال راه چاره ای برای خلاصی از شر مشقات بوده ام. بیشتر به خود متکی بوده ام. از جهل و نادانی گریزان بوده ام. روزنه امید را در تاریکی زندگی بدنبال کرده ام.

برنامه نوین: سکولاریسم چند گانه

پاول کورتز

مترجم: امیر غلامی

نبرد برای سکولاریسم به کانون مناقشات جهانی بازگشته است. پرسشی که در اینجا می خواهیم خواستاران و دشمنان سکولاریسم را همه جا می توان یافت. تقریباً سکولاریسم و / یا جامعه ی همه ی پنجاه و هفت کشور کشور اسلامی، به استثنای ترکیه و تونس، قانون اسلامی (شریعت) را پاس می دارند یا اجرا می کنند.

سکولاریسمیون [اینجهانی کردن]

مخالفان اصل جدایش [دین و ارزش ها حکومت] عمدتاً بنیادگرایان دینی هستند، از جمله پیروان اسلام، هندویسم محافظه کار، یهودیت سخت کیش، پروتستانیسم اوانجلیک و کاتولیسیسم محافظه کار. با کمال تأسف، دولت جرج بوش نظر مساعدی به این مخالفان داشته است، برای مثال این دولت به خیریه های دینی کمک مالی می کند و به ملاحظه ی اخلاق الاهیاتی، پژوهش درباره سلول های بنیادی را ممنوع کرده است.

در روسیه، پرزیدنت پوتین کوشیده تا کلیسای ارتدوکس روسی را احیا کند؛ در لهستان، کلیسای کاتولیک رومی در پی کسب جایگاه قدرتمند سابقش است. پس ایده ی جدایش کلیسا و حکومت همواره در معرض تهدید است. در فرانسه، آزاداندیشان [۱] همواره در سنگر دفاع از سکولاریسم در برابر تازش کلیسای کاتولیک یا اسلام هستند. در ترکیه، ارتش وفادار به آرمان های کمال آتاتورک همواره آماده است تا در برابر تلاش اسلامگرایان برای حصر قانون اساسی سکولار کشور مقاومت کند.

یک نکته ی به غایت مهم این است که برای دفاع از اصل جدایش لازم نیست شخص اثنیست [بیخدا] یا اگنوستیک [لادری] باشد. در ایالات متحده، اغلب مذاهب پروتستان، حامی سکولاریسم هستند، همین طور یهودیان سکولار، کاتولیک های لیبرال، یونیتارین ها، و اعضای برخی مذاهب دیگر اصل جدایش را می پذیرند. اومانیسیم سکولار در این کارزار بزرگ متحدان فراوانی دارد. در واقع، هم لیبرال ها و هم محافظه کاران، هم دینداران و هم بیدینان، سرسختانه مدافع اصلاحیه

جدایش کلیسا و حکومت نخست، سکولاریسم معطوف به جدایش کلیسا و حکومت است. در اصلحیه ی اول قانون اساسی ایالات متحده، این نکته چنین بیان شده که "کنگره نباید هیچ قانونی در حمایت از موسسات مذهبی یا منع اعمال عبادی آنها تصویب کند." این اصل حیاتی حاکی از آن است که حکومت باید در قبال دین بیطرف باشد، و آزادی و تنوع عقاید، از جمله حق داشتن اعتقاد دینی یا بیدینی را محترم بشمارد.

حکومت باید با همه ی شهروندان، فارغ از باورهای دینی شان، به یکسان رفتار کند. حکومت حق ندارد دینی را ممنوع کند یا برای دینی مزایای ویژه قائل شود. ما بسیار خوش اقبال هستیم که قانون اساسی آمریکا تحت تأثیر اندیشه ی روشنگری نوشته شد، و جورج واشنگتن، تامس جفرسن، جیمز مدیسون، و دیگر آباء بنیان گزار آمریکا قصد داشتند تا از ایجاد هرگونه دین دولتی، مانند کلیسای انگلستان، بپرهیزند. در حقیقت، ایالات متحده نخستین ملتی بود که بر اساس اصل جدایش [دین و حکومت] پایه گذاری شد.

باید یادآور شوم که امروزه حدود نود و پنج کشور اصل جدایی کلیسا (یا معبد یا مسجد) و حکومت را در قوانین اساسی شان لحاظ کرده اند. از جمله ی این کشورها می توان به فرانسه، اسپانیا، ایرلند، هلند، آلمان، مکزیک، برزیل، چین، آفریقای جنوبی، هند و استرالیا اشاره کرد. * در این کشورها جدایش دین و حکومت به شیوه های مختلفی صورت گرفته است و برای دفاع از اصل جدایش

باید دیدنمان ندارد و آنان را متهم به تلاش برای استقرار "مذهب سکولاریسم" می کند. شوربختانه، کاندیداهای برجسته ی دموکرات هم از بیم مخالفت حامیان مذهبی شان تاکنون سخنی در دفاع از جامعه ی سکولار نگفته اند. با این حال، سکولاریسم سر در فراز دارد. اگر می خواهیم جوامعی پرتراوت، متکثر و شکوفا داشته باشیم، نیازمند سکولاریسم هستیم. این نکته به ویژه در مورد جوامع در حال توسعه صادق است.

اگر قرار باشد به تنوع فرهنگی برسیم، باید سکولاریسم را برگزینیم. اما به نگر من، بدون داشتن درک درستی از سنت های فرهنگی جوامع، نمی توانیم به قانون گذاری سکولار دست یازیم. به همین خاطر، به نظر می رسد که سکولاریسم چندگانه، یعنی انطباق ایده های سکولار با ارزش های محلی بهترین راهکار باشد.

زمانه ی مدرن اساساً سکولار است. جوامع امروزی کاملاً مستقل از اعتقادات دینی در پی رشد اقتصادی و افزایش ثروت عمومی هستند تا همه ی مصرف کنندگان بتوانند از کالاها و خدمات شایسته ای برخوردار شوند. (من توجه کرده ام که امثال پت رابرتسون و دیگر زعمای دینی راستگرا از کاربرد ماشین های لوکس و خانه های مجلل ابایی ندارند). حقنه کردن دینداری (ورای ظواهر سطحی دینی) به شرکت ها و سازمان های مدرن مضحک می نماید. در حیطه ی اقتصاد، ملاک کارایی، بهره وری، کیفیت محصولات و خدمات،

زمانه ی مدرن اساساً سکولار است. جوامع امروزی کاملاً مستقل از اعتقادات دینی در پی رشد اقتصادی و افزایش ثروت عمومی هستند تا همه ی مصرف کنندگان بتوانند از کالاها و خدمات شایسته ای برخوردار شوند. (من توجه کرده ام که امثال پت رابرتسون و دیگر زعمای دینی راستگرا از کاربرد ماشین های لوکس و خانه های مجلل ابایی ندارند). حقنه کردن دینداری (ورای ظواهر سطحی دینی) به شرکت ها و سازمان های مدرن مضحک می نماید. در حیطه ی اقتصاد، ملاک کارایی، بهره وری، کیفیت محصولات و خدمات،

زمانه ی مدرن اساساً سکولار است. جوامع امروزی کاملاً مستقل از اعتقادات دینی در پی رشد اقتصادی و افزایش ثروت عمومی هستند تا همه ی مصرف کنندگان بتوانند از کالاها و خدمات شایسته ای برخوردار شوند. (من توجه کرده ام که امثال پت رابرتسون و دیگر زعمای دینی راستگرا از کاربرد ماشین های لوکس و خانه های مجلل ابایی ندارند). حقنه کردن دینداری (ورای ظواهر سطحی دینی) به شرکت ها و سازمان های مدرن مضحک می نماید. در حیطه ی اقتصاد، ملاک کارایی، بهره وری، کیفیت محصولات و خدمات،

زمانه ی مدرن اساساً سکولار است. جوامع امروزی کاملاً مستقل از اعتقادات دینی در پی رشد اقتصادی و افزایش ثروت عمومی هستند تا همه ی مصرف کنندگان بتوانند از کالاها و خدمات شایسته ای برخوردار شوند. (من توجه کرده ام که امثال پت رابرتسون و دیگر زعمای دینی راستگرا از کاربرد ماشین های لوکس و خانه های مجلل ابایی ندارند). حقنه کردن دینداری (ورای ظواهر سطحی دینی) به شرکت ها و سازمان های مدرن مضحک می نماید. در حیطه ی اقتصاد، ملاک کارایی، بهره وری، کیفیت محصولات و خدمات،

زمانه ی مدرن اساساً سکولار است. جوامع امروزی کاملاً مستقل از اعتقادات دینی در پی رشد اقتصادی و افزایش ثروت عمومی هستند تا همه ی مصرف کنندگان بتوانند از کالاها و خدمات شایسته ای برخوردار شوند. (من توجه کرده ام که امثال پت رابرتسون و دیگر زعمای دینی راستگرا از کاربرد ماشین های لوکس و خانه های مجلل ابایی ندارند). حقنه کردن دینداری (ورای ظواهر سطحی دینی) به شرکت ها و سازمان های مدرن مضحک می نماید. در حیطه ی اقتصاد، ملاک کارایی، بهره وری، کیفیت محصولات و خدمات،

زمانه ی مدرن اساساً سکولار است. جوامع امروزی کاملاً مستقل از اعتقادات دینی در پی رشد اقتصادی و افزایش ثروت عمومی هستند تا همه ی مصرف کنندگان بتوانند از کالاها و خدمات شایسته ای برخوردار شوند. (من توجه کرده ام که امثال پت رابرتسون و دیگر زعمای دینی راستگرا از کاربرد ماشین های لوکس و خانه های مجلل ابایی ندارند). حقنه کردن دینداری (ورای ظواهر سطحی دینی) به شرکت ها و سازمان های مدرن مضحک می نماید. در حیطه ی اقتصاد، ملاک کارایی، بهره وری، کیفیت محصولات و خدمات،

زمانه ی مدرن اساساً سکولار است. جوامع امروزی کاملاً مستقل از اعتقادات دینی در پی رشد اقتصادی و افزایش ثروت عمومی هستند تا همه ی مصرف کنندگان بتوانند از کالاها و خدمات شایسته ای برخوردار شوند. (من توجه کرده ام که امثال پت رابرتسون و دیگر زعمای دینی راستگرا از کاربرد ماشین های لوکس و خانه های مجلل ابایی ندارند). حقنه کردن دینداری (ورای ظواهر سطحی دینی) به شرکت ها و سازمان های مدرن مضحک می نماید. در حیطه ی اقتصاد، ملاک کارایی، بهره وری، کیفیت محصولات و خدمات،

زمانه ی مدرن اساساً سکولار است. جوامع امروزی کاملاً مستقل از اعتقادات دینی در پی رشد اقتصادی و افزایش ثروت عمومی هستند تا همه ی مصرف کنندگان بتوانند از کالاها و خدمات شایسته ای برخوردار شوند. (من توجه کرده ام که امثال پت رابرتسون و دیگر زعمای دینی راستگرا از کاربرد ماشین های لوکس و خانه های مجلل ابایی ندارند). حقنه کردن دینداری (ورای ظواهر سطحی دینی) به شرکت ها و سازمان های مدرن مضحک می نماید. در حیطه ی اقتصاد، ملاک کارایی، بهره وری، کیفیت محصولات و خدمات،

داشتند، و به انگاره های "زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی" و "حقوق انسان" منجر شدند. بعدها، زیست شناسی کوشید تا با خصومت علیه داروینیسیم مقابله کند؛ در علوم پزشکی هم حصول پیشرفت هایی مانند کالبدشکافی و هوشبری بدون مقابله با دخالت های دینی مقدر نبود. امروزه هم برخی بر پایه ی اعتقادات دینی با پژوهش بر روی سلول های بنیادی و نظریه ی تکامل مخالفت می ورزند. پیشرفت هایی مانند لغو برده داری، به رسمیت شناخته شدن حقوق زنان، و پذیرش آزادی جنسی (پیشگیری از بارداری، سقط جنین، طلاق، حقوق همجنسگرایان و غیره) تنها با بذل کوشش مداوم حاصل شدند. باید بر آموزه های دینی تبلور یافته و اجرا می شوند، غلبه کرد یا آنها را اصلاح کرد. برای مجاز ساختن گونه گونی سلاقی و شیوه های زندگی، جوامع دموکراتیک مدرن نبردهایی طولانی را از سر گذرانیده اند.

این نیروهای سکولار ساز حاصل انقلاب های دموکراتیک-اومانیستی جهان مدرن بوده اند. تفکر مدرن این اصول را رسمیت بخشیده که همه ی شهروندان ارزش و کرامت برابر دارند و فقیر و غنی باید تابع قانون واحدی باشند. پس پذیرش دموکراسی به عنوان یک فضیلت مدنی برای جوامع دموکراتیک کاپیتالیستی و سوسیالیستی اساسی است. در این جوامع لازم نیست که شخص اتنیست باشد تا دموکراتیک سازی جامعه را به عنوان یک ارزش بپذیرد.

اکنون، باید اشاره کنیم که برای برخی مومنان دشوار است که اخلاق سکولار را بپذیرند. چرا که به نظر آنان پیروی از حکم خدا و/یا رستگاری مهم تر از جستجوی خوشبختی یا کارزار برای رسیدن به عدالت اجتماعی است. به همین ترتیب، اخلاق سکولار

اخلاق سیاره ای [۴] احساس می شود. زیرا ما باید کره ی زمین را میان خود تقسیم کنیم و دیگر هیچ کس مجاز نیست تا آموزه ها و باورهای خاص دین خود را به دیگران تحمیل کند. مادر جهانی چندفرهنگی زندگی می کنیم که در آن باید سکولاریسم چندگانه را ایجاد کرد - به گونه ای که در بافت سنت های فرهنگی گوناگون، بتوان شکل های مختلف سکولاریسم را برگزید. بنابراین، ما نیازمند مسیحیت سکولاریزه، یهودیت سکولاریزه، هندوئیسم سکولاریزه، و حتی اسلام سکولاریزه هستیم؛ تا همه ی جوامع بتوانند بر مشکلات خود فائق آیند. حال پرسش اینجاست که آیا می توانیم یک سری ارزش ها و اصول مشترک وضع کنیم تا مبنای مشترکی برای تمدن جهانی باشند؟ اولویت اول ما البته باید وظایف نخستین ما باشد: حفظ محیط زیست سیاره ای که خانه ی مشترک مان است؛ محو فقر و بیماری؛ حل و فصل صلح آمیز مناقشات، و حصول رفاه برای بیشترین مردمان. اینها مسائلی عملی هستند که باید برایشان راه حل های واقع گرایانه ی سکولار اندیشید.

سکولاریزاسیون و بیدینی

سکولاریزاسیون معنای سومی هم دارد. برخی دشمنان سرسخت سکولاریسم اصرار دارند که سکولاریسم مترانف با اتنیست [بیخدایی] است؛ برخی اتنیست های ستیزه جو [۵] هم با آنها موافق اند. اما به نظر من این دیدگاه اشتباه است. برخی اتنیست های ستیزه جو کوشیده اند از قدرت حکومت برای حفظ "ایمان" خود سوءاستفاده کنند. مثلاً برخی رژیم های توتالیتر مثل شوروی و کامبوج که اتنیسم بخشی از ایدئولوژی رسمی شان بود، مخالفان دیندار خود را تحت تعقیب و آزار قرار داده اند - و حتی آنان را نابود کرده اند.

در میان ارزش های سکولار امروزی، نیاز فراوانی به یک

پیشرفت است: امروزه پروتستان ها و کاتولیک ها به رغم منهیات سنتی با هم ازدواج می کنند؛ همین

طور یهودیان و مسیحیان، آسیایی ها و انگلیسی ها، سیاهان و سفیدها. تغییراتی که در ایرلند و اسپانیا شاهدیم چقدر امیدبخش هستند! این دو کشور که سابقاً دژ استبداد کاتولیکی بودند، به سرعت سکولاریزه شده اند و ارزش های اومانیستی را پذیرفته اند. یهودیان سکولار هم با سخت کیشی وداع گفته اند. هر چند که ممکن است هنوز درجاتی از وفاداری قومی را حفظ کرده باشند اما بخش بزرگی از آنان با افراد غیریهودی وصلت می کنند. الگوی اینان یهودیان مدرنی است که در علوم و هنرها افتخارآفریدند: اسپینوزا و مندلسون، انشتین و سالک، نه پیامبران عهد عتیق. نزد مسلمانان نیز، کوشش برای سکولاریزاسیون آغاز شده است،

به ویژه در دموکراسی های غربی، بعضی مسلمانان ایده های دموکراتیک آزادی، برابری و برابری پذیرفته اند و نسبت به چندگانگی ادیان و مذاهب روادارتر شده اند.

امروز حدود یک و نیم میلیارد نفر از جمعیت جهان بیدین هستند؛ و این رقم در حال افزایش است. این عده اگنوستیک ها و اثنیست ها را شامل می شود اما همچنین شامل کسانی هم هست که اصلاً نسبت به ادیان موجود بی تفاوت هستند. چنان که یادآور شدم، تعداد قابل توجهی از مومنان اسمی هم مردد هستند و می خواهند از چنگ متون به اصطلاح مقدس رها شوند. باید خاطر نشان کنیم که گرچه ما می

توانیم میراث تاریخی، ادبی و اخلاقی ادیان سنتی را پذیرا باشیم، اما می خواهیم توجه خود را معطوف منابع دیگری کنیم که به زندگی امروزی مان مربوط تر هستند: علوم جدید و فلسفه، گنجینه و مسئولیت هایی برخوردار شوند سکولار، و تکثر فزاینده ی فرهنگی. خطابه ی سر کوه عیسی در جهان امروز فرآیند زیباست، همان قدر که بودیسم

سکولاریزاسیون به سرعت رو به زیباست، اما هیچ کدام

تصلب جزمیات شان می شود.

برنامه ی سکولاریزاسیون

سرلوحه ی برنامه های سکولاریزاسیون، آموزش است. باید تأکید کنیم که تمام کودکان حق دارند گستره ی فرهنگی وسیع تری را تجربه کنند - از مطالعه ی علوم مختلف و کسب مهارت اندیشه ی انتقادی گرفته تا آموختن تاریخ، هنرها، فلسفه، مطالعه ی تطبیقی ادیان جهان، و نظام های سیاسی و اقتصادی رقیب. این مهم مستلزم به رسمیت شناختن حقوق کودکان به عنوان بشر است. همان طور که والدین حق ندارند کودکان خود را گرسنگی بدهند، کتک بزنند یا بی رحمانه تنبیه کنند، حق ندارند آنان را از آموزش مکفی محروم کنند. تلقین عقاید به اسم ارشاد، توهینی به حق کودک به عنوان شخص است.

آزادسازی زنان از سلطه ی مردانه نیز از اولیت های برنامه ی سکولاریزاسیون است؛ زنان باید آزاد باشند تا بتوانند کار کنند و سفر کنند و زندگی شان را خود بسازند، نه اینکه محبوس کار خانگی و مشاغل دون پایه باشند.

زنان حق دارند از آموزش برخوردار شوند و در حیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه نقشی را ایفا کنند که خود بر می گزینند. امروزه این نکات در کشورهای پیشرفته به طور گسترده ای پذیرفته شده است اما در بیشتر کشورهای اسلامی این حقوق زنان نفی می شود و این پاشنه ی آشیل جوامع مسلمان است که باید بر آن بیشتر زد.

احقاق حقوق زنان البته مستلزم آن است که فرد آزاد باشد تا با هر کس که می خواهد ازدواج کنند یا زندگی مشترک داشته باشد، حتی اگر این به معنای خروج از دین باشد. زنان باید از همان آزادی ها و مسئولیت هایی برخوردار شوند که مردان دارند.

در جهان امروز فرآیند زیباست، همان قدر که بودیسم سکولاریزاسیون به سرعت رو به

نوع اخیر سکولاریسم مشابه اومانیسم نو [۹] است که بیانی جامع تر و مقبول تر از نگرش اومانیستی است (در این باره، مقاله ی "اومانیسم نو" مرا در شماره ی اکتبر/نوامبر ۲۰۰۷ مجله ی Free Inquiry ببینید).

بنابراین، سکولاریزاسیون جامعه نیازمند برنامه ی گسترده تری است تا دینداران اسمی اما همفکر را نیز در دفاع و گسترش ارزش های اومانیستی شریک سازد. اما این برنامه را باید بر بافتارهای اجتماعی-فرهنگی موجود اعمال کرد. آئین های دیرپای هر فرهنگی با فرهنگ دیگر متفاوت است؛ و غنا و تکثر فرهنگی را باید در نظر داشت - نباید از گونه گونی زبان ها، ذائقه ها، و تفاوت آداب و رفتار و دیگر امور هنجاری چشم پوشیم. نمی توانیم به سادگی دین را باطل اعلام کنیم و/یا به حذف آن از نقشه ی جهان امیدوار باشیم؛

دین رگ و ریشه ای قوی دارد و برای برخی مومنان، دین عمیقاً هویت بخش است، حتی اگر فقط اسماً به آن معتقد باشند. رویکرد ما باید سکولاریسم چندگانه ای باشد که بر مبنای اصول و آئین های موجود گزیده شده است.

مسیحیان و یهودیان، مومنون ها و سنی ها، پروتستان ها و بوداییان، هندوها و شیعیان هر یک ارزش ها و آداب فرهنگی خاص خود را دارند؛ اصلاح رفتار و حرکت دادن اندیشه ی مردم به ساحتی دیگر فرآیندی درازدامنه بشر [۷] به جای شهر خداست [۸].

یکی از مولفه های اصلی اصلاحگری این است که یک قبیله، فرقه یا مذهب با آداب و عقاید پیروان دیگر مذاهب آشنایی داشته باشند. حصول این وضع آسان نیست و مستلزم گفتگوها، بحث ها، برهمکنش ها و در هم آمیزش ها، فهم و درک دیگر دیدگاه ها، و نیز نقادی مسئولانه است. یکی از خطرات عمده ی نظام های دینی منزوی این است که جدافتادگی و انحصار موجب

برای برخی بیدینان می تواند مطلوب تر باشد چرا که زندگی سرشار و شکوفایی استعدادها و گرایش ها، از جمله برآوردن امیال جنسی، را دست یافتنی تر می سازد.

هرچه دینداری بیشتر افول کند، چشم انداز سکولارسازی ارزش ها روشن تر می شود. بسیاری از کسانی که این ارزش ها را می پذیرند رسماً دیندار هستند، اما فقط اسماً به کلیساها، کنیسه ها و معابد وابسته اند؛ محتمل تر آن است که پذیرنده ی نگرش سکولار و ارزش های اومانیستی باشند و چندگانگی فرهنگی را قبول داشته باشند. این حالت به ویژه هنگامی صادق است که این افراد ذهنی گشوده و اندیشمند داشته باشند و چه بسا مذهبی بودن شان صرفاً ناشی از محل تولد یا از روی اجبار خانواده بوده باشد.

به همین دلیل، به نظر من، اثنیسم منفی که تنها در پی نفی دین است، بدون اینکه برنامه ی ایجابی جایگزینی داشته باشد، ره به جایی نمی برد. برای پیگیری ایده ی روشنگری نوین، برنامه ی جامعه تری برای پیشرفت بشر لازم است. یعنی باید از سکولاریسم در تمام معانی سه گانه ی فوق حمایت کنیم: (۱) جدایش دین از حکومت؛ (۲) انسانی سازی ارزش هایی که علائق و نیازهای نوع بشر را تأمین می کنند؛ و (۳) افول دین مداری که مستلزم بالندگی شهر بشر [۷] به جای شهر خداست [۸].

سخن من این نیست که ما نباید مدعاهای دینی را، به ویژه هنگامی که آشکارا کاذب، متعصبانه و مخرب هستند، با نگر انتقادی بررسی کنیم. همواره باید از جهان سکولار در برابر کسانی که می خواهند زیرآبش را بزنند دفاع کنیم و با نگر مسئولانه به نقد و بررسی مدعاهای فراطبیعی و اخلاقی بپردازیم - به ویژه هنگامی که درصد لطمه به آزادی هستند. این

واقعی ، بدنبال رهائی پوچ و خیالی آسمانی باشید ، بدنبال تغییر و وضع موجود نباشید ، چشم به آسمان بوزید و فقط منتظر ناجی امام زمان باشید. بسوزید و بسازید و اطاعت کنید و تسلیم قضا و قدر شوید ، مهدی روزی قیام خواهد کرد و وظیفه اوست که جهان را پر از عدل و داد کند، این آفیون به تودهها میگوید: ای تودههای مردم زحمت کش با وعده (دروغین و خیالی و آسمانی) بهشت ، این زندگی جهنمی (عینی و واقعی موجود) را تحمل کنید!

((بهشت در قرآن))

آیات قرآنی در مورد بهشت : سوره بقره آیه 24 : و مژده ده آنان را که گرویدند و کردند کارهای شایسته که مر ایشانراست بهشتهایی که میرود از زیر آنها نهرها هرگاه روزی داده شوند از آن جنت ها از میوه رزقی گویند این همان است که روزی وعده داده شدیم از پیش و آورده شوند با آن میوه شبیه بهم و از برای ایشان است در آنجا زنان پاکیزه و ایشان در آن جاویدانند. سوره النساء آیه 61: و آنان که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته ، زود باشد که در آوریمشان در بهشتهایی که میرود از زیرشان نهرها. جاودانیان در آنه همیشه از برای ایشانست در آنها جفتهای پاکیزه و در میآوریمشان در سایه پاینده. سوره دهر آیه 13-

14-15-16-17-18-19-20-21: تکیه زدگان در آن بر سریر ها نه ببینند در آن آفتابی و نه سرمائی-و نزدیک است بایشان سایه های آن و رام کرده شده خوشه های آن-و بگردش در آورده میشود بر ایشان ظرفهایی از نقره و قدح هایی که باشند آبگینه ها-آبگینه ها که باشند از سیم ..-و آشامانیده شوند در آن جامی را که باشد ممزوج بزنجبیل آمیخته-چشمه روان در آن نامبرده میشود سلسبیل-و گردش می کنند بر ایشان پسران جاویدانی چون بینی ایشان را پندارایشان مروارید در رشته ناکشیده-و چون بینی آنجا بینی تازه نعمت و پادشاهی عظیم-بالاشان جامه های دیبای نازک سبز و دیبائی ستبرق و پیرایه کرده شده بدستوانها از سیم و آشامانید ایشانرا پرودگارشان شرابی پاکیزه _سوره زخرف : گردانیده میشود بر ایشان کاسه های پهنی که از طلاست و کوزه های بی دستگیره و در آنست آنچه خواهش دارد آنرا انفسها و لذت میرسد چشمها و شمائید در آن جاودانیان . سوره غاشیه آیه 12-13-14-15-16 : در آنست چشمه روان-سریر های رفیعه -و قدحهای گذاشته- و بالشهای بهم پیوسته -و فرشهای نفیس گسترده . سوره المطففین آیه 23-24-25-27-28: بر سریرها نظاره می کنند-می یابی در روهاشان تازگی بهشت-آشامانیده می شوند از صاف شراب مهر شده-و مزاجش از چشمه کوثر- چشمه ایست که میآشامند از آن نزدیکان . سوره واقعه آیه 15 تا 27: با سریرهای بافته از زر و جواهر تکیه زندگان بر آنه روبروی یکدیگر-میگردند بر ایشان پسران جاودانیان - با قدحها و ابریق ها و جامی از شراب جاری- درد سر نمیکند از آن و نه از خود روند- و میوه از آنچه اختیار کنند-و گوشت مرغ از آنچه میخواهند- و حوران فراخ چشم چون امثال مروارید در پرده ها نگاهداشته -نمی شنوند در آن لغوی و نه اسناد بد کردند-مگر گفتن سلامی سلامی- در زیر سدر بی خار و درخت مورد برهم پیچیده -و سایه همیشه کشیده شده- و آبی ریزان شده-میوه بسیار-نه گسسته شوند و نه منع شده-و فرشهای بالابرده شده-که ما آفریدیم آنها را آفریدنی-پس گردانیدیمشان باکره ها-شبیفته شوهر خود هم سن و بعلت طولانی شدن از ذکر دیگر آیات که مطالبش در باره : باغها ، انگورها ، دختران نار پستان، جامهای پر شراب، زنان فرو هشته هم سن ، بالشهای سبز و بساط قیمتی، بهشتی که عرض آن چون آسمان و زمین است ،خوب زنان نیکو ،حوران پرده نشین در خیمه ها و... می باشد خود داری میکنیم

مفهوم آیات بهشتی : این آیات به وضوح حکایت از این دارند که : وقتی مومنین ، گروندگان بخدا ، صالحین ، آنانی که بدنبال زندگی دنیوی نبودند ، از پی خواهش نفس نرفتند ، اصول و فروع دین ←

• سنجیدنیهایشان گران بود برای عیش پسندیده (با حوری های بهشتی) در بهشت انتخاب و آنها که سنجیدنیهایشان سبک بود جایشان در جهنم تعیین میشود ، ملائکه و روح به سوی خدا عروج میکنند و آن روز عذاب و آخر زمان برای کافران مقدارش پنجاه هزار سال است ، هشت تائی از فرشته ها هم که در اطراف آسمان هستند عرش خدا را ببالای سرشان برداشته و نگه میدارند-- نامه اعمالی که فرشته ها تهیه کرده اندباز میشود ، آتش جهنم افروخته میشود و هیزمش زیاد میشود بهشت نزدیک تر میشود ، همه دلها در آنروز ترسانند ، چشمها فرو رفته میشود ، جهنم دیده میشود و آنانی که عصیان کردند و زندگانی دنیا را برگزیده بودند و کفار و مشرکین و منافقین و..میروند در آتش جهنم و عذاب و شکنجه میشوند وآنانکه از خدا می ترسیده اند و ازارزوها و خواهشهای زمینی دور بودند و خدا پرست و دنبال آخرت بودند به بهشت میروند ..و

بررسی - چقدر یاره بافی ؟

- انسان از اینهمه تناقض گوئی و یاره بافی و بی اطلاعی از سوی به اصطلاح خدای دانا تعجب میکند.انگار این خدا از طبیعت و قوانین طبیعی و وضعیت زمین و خورشید و ستاره ها و کائنات چیزی نمیداند.آخر این بی نهایت ستاره هاچگونه به یکباره فرو میریزند، آنهم لابد روی زمین چون از نظر قرآن آنها زینتها و چراغهایی برای زمین محسوب میشوند، و در آن حال زمین باشد و قبرهای هم زیر و رو شود!؟آخر آسمان را چه مینداشته که درهایش گشوده و یا بشکافت ، چگونه خورشید در هم پیچیده و جمع خواهد شد و زمین می ماند و میتواند تمام استخوانهای مردگان را هم جمع آوری کرد...از روز پنجاه هزار سال و هشت فرشته ای که عرش خدا را بالای سرشان نگه داشته اند ، از حرکت انسانها و مردگان زنده شده و حرف زدن آنها در آن وضعیت که به اصطلاح خورشید و ستاره ای نیست میگذریم !!- اصلا بهتر است از همه این یاره بافی های پوچ ،ابلهانه و کودکانه بگذریم . این آیات آنقدر بی محتوا و بی ارزش است که احتیاجی به بحث و بررسی نمی تواند داشته باشد. در این زمانه و با پیشرفت علم دیگر جایی برای این خرافات و اساطیر گذشتگان باقی نمی ماند و فاقد هر گونه ارزشی است.اما در باره این منخرافات و خرافاتی که در قرآن آمده و کلام خدا محسوب میشود ، آقایان روشنفکر و آگاه مسلمان چه دارند که بگویند؟ و یا بدنبال چه توجیهات و تفاسیری هستند؟ ناگزیرندکه چگونه و با چه استدلالهای من در آوردی اینها را علمی نشان دهند تا قرآن و خدا و محمدشان را از خطر بی اعتباری نجات دهند!؟ و نیز باید از یاره های احمقانه ای که در کتب حدیث و روایت و..مسلمین و شیعیانکه در باره قیامت واز علانم رستاخیز و روز محشرآمده نظیر - جهالت آشکار شود و زنا رواج گیرد و شراب نوشند، روز قیامت از بز شاخدار که بز بی شاخ را شاخ زده تقاص کنند ، چاه جمکران و..،دجال ظهور میکند و امام زمان با شمشیر می آید ،قبل از قیامت خدا امام زمان یا مهدی موعود را میفرستد تا حکومت الهی را تاسیس کند، برای ظهور آقا امام زمان باید در زمین فساد و تباهی و ظلم رواج یابدتا مقدمات ظهور مهدی و قیامت مهیا شود و.. - بگذریم که فقط وقت گیر است واما خنده دار که بیشتر به درد تفریح و جوک میخورد تا بررسی!!

در اینجا به مفهوم جمله معروف مارکس ((دین آفیون تودههاست)) پی میبریم که استثمار گران و سرمایه داران و اربابان مذهبی دست در دست هم وسیله اشاعه همین خرافات و وعده های روز قیامت و...بهره کشی و استثمار توده های مردم را ادامه میدهند. همین خرافات و جهل و افکار خرفت کننده مذهبی است که به مردم می آموزد ، بجای رهایی

سفید و چشم سیاه را داده، شاید بعلت گرمی هوای آن منطقه و بی آبی و عده چشمه و آب و نهرها و... را داده تا این کمبودها در خواب و خیال و آسمان رفع گردد، اصلاً شاید میخواست طباقات زیر دست چشم طمع به مال و زندگی ثروتمندان نداشته باشند و بفهمند که اگر در این دنیا محرومند و خوب نمی خورند و خوب نمی نوشند و خوب لذت نمی برند در عوض در بهشت آنها سواره اند و ثروتمندان پیاده و...

بهر حال هرچه منظورش بوده را نمی دانم اما میدانم که در قرن اتم و فن آوری و اینترنت و اطلاعات و... این حرفهای مفت و پیاوه به درد مردم نمی خورد و توده های مردم باید بجای این بهشت خیالی و دور از دست رس و دروغ تاریخی ساخته شده وسیله ثروتمندان بمثابه ترمز و یا محرومین برای دلخوش بودن بمثابه امیدواری، که در قیامت وعده داده شده، به ایجاد بهشت واقعی برای خود در زمین واقعی که بر روی آن زندگی می کنند دست بزنند و به قولی آسمان را وا گذارند برای گنجشکان، که بهترین راه رسیدن به این بهشت زمینی کوتاه کردن دست سرمایه داران و به زیر کشیدن آنان و اربابان مذهبی از قدرت است. و به عبادت و دعا و خدا وترس از او و... هم نیازی نیست، فقط به آگاهی و عمل ربط دارد و بس. پس آگاه شویم، آگاه کنیم و همه آگاهانه عمل کنیم و تا قیامت صبر نکنیم!

کتاب اسلامی و بهشت - فقط برای خنده و تفریح، بدون شرح!!
بنقل از محمد: ساختمان بهشت خشتی از نقره و خشتی از طلاست و گل آن مشک انفر است و سنگریزه آن لولو و یاقوت است و خاک آن زعفران است و هر که وارد آن شود پیوسته منتعم است و از بدبختی بر کنار، جاودان زنده است و نمیرد، لباسشان کهنه نمی شود و... اگر زنی از زنان بهشت بر زمین نمودار شود زمین را از بوی مشک پر کند و نور خورشید و ماه ببرد در اسرار معراج آمده: اگر یک حوری بهشت سر از دریچه بهشت بطرف دنیا بیرون کند از نور جمال او نور خورشید مضمحل و نابود میگردد، هیچ بنده ای نیست که وارد بهشت شود مگر اینکه دو حوریه در بالای سر او دو حوریه در پایین پای او می نشینند و بصدا و نوای خوش از برای او خوانندگی می کنند، حوریهای بهشتی از خاک بهشت خلق شده اند و بقدری بدن آنها لطیف است که مغز ساق پاهای آنها از زیر هفتاد حله دیده میشود و خداوند بهر مومنی که وارد بهشت شود هشتاد حوریه باکره و چهار هزار حوریه بیوه تزویج می کند و در بهشت نهری است که در کنار آن مانند علفها حوریه روئیده میشود و چون مومنی به آن نهر عبور می کند از هر یک آنها که خوشش آمد دست او را می گیرد و به همراه خود میبرد و خدا او را برای او حلال و تجویز می نماید و فوراً بقدرت الهی بجای آن حوریه یک حوریه دیگر روئیده می شود، امام صادق گفته: عشق بازی با حوریه های بهشتی در هر نوبت بمقدار پانصد سال از

از خدا تر سیدند و به روزی خود واز آنچه خدا در دنیا به آنان داده راضی بودند و عصبان نکردند و از خدا ناامید نشدند و صبر کردند، پس از گرفتن نامه اعمال و رسیدگی به پرونده شان توسط فرشتگان، به بهشتی منتقل میشوند که وعده داده شده، که با همه نعمتهایش و چشمه کوثر و نهرها و تختها و فرشها و ظروف نقره و طلا و جامها در انتظار آنهاست، و در آنجا میتوانند دلی از عزا در آورده و بهترین میوه ها، شرابها، عسل، شیرو مرغ و... بخورند و بیاشامند و از حوری های زیبای فراخ چشم و زنان زیبا و باکره ها لذت ببرند، و خلاصه هرچه محرومیت و محدودیت در دنیا داشتند را جبران کنند آنم در سطحی عالیتر و بهتر و با کیفیتی برتر از زمین، که گرما و سرما هم مزاحم نیست، آنهم برای مدتی نامحدود و جاویدان. ضمن اینکه در بهشت از خوردن و آشامیدن و عیش کردن به آنها سستی هم دست نمیدهد (با خوردن آنهمه شیر و عسل و میوه و... باید هم همینطور باشد!) حال این باغبانها و آشپزها و سازندگان ظروف، چه کسانی هستند لابد برده و کارگران هستند؟ معلوم نیست تکلیف نوزادان و بچه ها و زنان چه میشود در بهشت هم که باز مرد سالاریست!

بررسی مفهوم آیات - بررسی هم نیاز دارد؟! واقعا که چه مهملات و مزخرفاتی را باید خواند و از قرآن در آورد و بررسی کرد! البته برای اینکه نشان داد دین اسلام و مذهب و قرآن پوچ و پیاوه است چاره ای جز این کار نیست!

ما در اینجا به محمد کاری نداریم که چرا این داستانهای کودکانه را سر هم کرده و در قرآنش بنام سخنان خدا(خدائی که اصلاً وجود ندارد) جا زده، شاید می خواسته بدین وسیله جامعه را اصلاح کند، و محرومان را دلخوش کند که در آسمان و بهشت به خوشی و زندگی خوب دست پیدا خواهند کرد، شاید میخواست به این وسیله مردم را از گرفتن حقتشان از زورمندان و ثروتمندان و برده داران و آقاها (که خود یکی از آنها بوده) باز دارد، شاید برای اینکه اسلام و قرآنش و خدایش را پیش برد و در جنگها پیروز شود اینها بدرش میخورده، شاید منظورش این بوده که مرهمی بر روی زخمهای محرومین و فقرا و زحمتکشان بگذارد که از غذا و میوه و پوشاک و مسکن برخوردار نبوده اند، چه اگر فقرا شکر گذار و راضی به رضای خدا باشند و مال دنیا را (که ندارند) مذمت گویند و آلوده به مفاسد مال دنیا و جیفه دنیوی نشوند (که نمی شوند) بهتر بتوانند با شکم گرسنه زندگی کنند و دل خوش داشته باشند تا در عوض حق داشته باشند و بتوانند در بهشت از آب کوثر بنوشند و در کنار حورالعین تا ابد خوش بگذرانند، پس مزاحم بقیه هم نمی شوند، با پولدارها هم خوب می شوند، شاید چون اغلب زنان عرب آن موقع سیاه بودند وعده حورالعین و زنان زیبای

نیوتون (1642-1727) پیروزی نهایی ای را کسب کرد که برای آن کوپرنیک کپلر و گالیله راه را آماده کرده بودند. با شروع از سه قانون حرکت خود که دوتای اول مدیون گالیله بودند - او طرح کرد که سه قانون کپلر معادل این قضیه هستند که هر سیاره ای در هر لحظه دارای شتابی به سمت خورشید است که به نسبت مساحت فاصله از خورشید بطور معکوسی تغییر می کند. او نشان داد که طبق این فرمول شتاب به سمت زمین و خورشید - حرکت ماه را توضیح می دهد و می گوید طبق قانون مساحت معکوس - شتاب اجسام در حال سقوط در روی کره زمین مرتبط است با شتاب ماه. او نیرو را بعنوان عامل تغییر حرکت یعنی شتاب تعریف کرد.

ادامه دارد

این اوباش متعصب بخندند. بقیه نامه اش نشان می دهد که این اوباش عبارت بوده اند از پروفیسورهای فلسفه که سعی کردند وجود ژوپیتتر را با استدلالهای نافی منطق انکار کنند.

گالیله چنانکه همه می دانند توسط دستگاه انگیزاسیون ابتدا بطور خصوصی و سپس علناً در 1633 بطور علنی محکوم شد که در 1633 توبه کرد و قول داد هرگز نگوید زمین می چرخد. انگیزاسیون در پایان دادن به علم در ایتالیا موفق شد و علم تا قرنهای دیگر در ایتالیا احیا نشد. اما انگیزاسیون نتوانست مانع دانشمندان در کاربرد تئوری هلیوسنتریک بشود و موجب لطمه فراوانی به کلیسا شد. خوشبختانه کشور های پروتستان وجود داشتند که در آنها روحانیون هر چند که مشتاق بودند به علوم لطمه بزنند اما قادر به کنترل دولت نبودند.

از جنم جناب ابراهیم سوال کردم این اطفال کیستند که تو متصدی آنها می باشی؟ فرمود اینها اطفال شیعیان علی می باشند که در کوچکی از دنیا رفته اند، من چون می خواستم به پسر عمت علی ذی حق گردم اطفال شیعیان او را سرپرستی می کنم.



عمر دنیا طول می کشد. بنقل از محمد آمده: میوه های بهشتی از عسل شیرین تر و از کره نرم تر است و هسته ندارد و هر درختی از بالا تا ساق پر هر چه از میوه های او چیده شود فوراً بجای آن سبز میشود و رسیده میگردهد، میوه های بهشت به انسان چنان نزدیک می شوند به نحوی که اگر خواسته باشند در حال ایستاده یا نشسته و یا خوابیده از آن استفاده نمایند برای آنها ممکن است، از خوردن غذا های بهشتی لذتی میبرند که هرگز از غذای دنیا لذت نبرده اند، در سفره های بهشتی هفتاد نوع غذای لذیذ می باشد و هر گاه میل به گوشت طیور پیدا کنند فوراً پخته و در طبقی از طلا مقابل آنها گذاشته میشود و آن طیورها هر کدام بقدر شتری می باشند و چون از آن طیور خوردند و شکر خدا کردند پس بقدرت الهی آن مرغ دو باره زنده میشود و بهوا پرواز می کند. خداوند به هر یک از اهل بهشت قدرت و قوه صد مرد برای خوردن و آشامیدن و جماع را میدهد و چون از غذای بهشتی سیر شدند فوراً آن غذا مبدل به عرق خوشبو می شود و از بدن آنها خارج میشود.

تختهای بهشتی دارای پایه هایی از طلاست و دانه دانه نشان به زبرجد و در و یاقوت است و پایه های آن بلند اما چون مومن بخواهد بر روی آن تختها بنشیند آن تخت بر روی زمین پهن میشود، چون آن مومن بر روی تخت قرار گرفت فوراً بلند میشود (لابد مانند شتر! ببخشید قرار بود بدون شرح باشد)

و در پایان بنقل از محمد در اسرار معراج آمده: در شب معراج چون وارد بهشت شدم درخت طوبی را دیدم که دارای پستانهای زیاد می باشد مثل پستان گاو و اطفال زیاد بگرد آن درخت می چرخند و از آن پستانها شیر می خورند و جدم حضرت ابراهیم متصدی پرورش آن بچه ها می باشد و هر گاه از دهان آن بچه ها پستان در آید او بدهان آنها می گذارد

دموکراتیک کنگو، جمهوری فدراسیون روسیه، صربستان، کنگو، اتیوپی، گابون، گامبیا، گینه، اسلواکی، اسلونی، اسپانیا، سوئد، گینه بیسائو، غنا، لیبیریا، مالی، سونیس، ترکیه، اوکراین، استرالیا، نامبیا، آفریقای جنوبی، تونس، حکومت های متحد میکرونزی، و بولیوی، برزیل، کانادا، شیلی، زلاندنو.

کلمبیا، کوبا، اکوادور، هندوراس، مکزیک، پاراگوئه، پرو، اروگوئه، ونزوئلا، ایالات متحده آمریکا، جمهوری خلق چین، هند، اندونزی، ژاپن، قزاقستان، قرقیزستان، مغولستان، نپال، کره شمالی، فیلیپین، سنگاپور، کره جنوبی، سوریه، تایوان، تاجیکستان، تایلند، ترکمنستان، ازبکستان، ویتنام، آلبانی، ارمنستان، اتریش، آذربایجان، بلاروس، بلژیک، بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، کرواسی، قبرس، جمهوری ترک شمال قبرس، جمهوری چک، استونی، فنلاند، فرانسه، گرجستان، آلمان، مجارستان، ایرلند، ایتالیا، لاتویا، لیتوانی، لوکزامبورگ، مقدونیه، مولداوی، مونته نگرو، هلند، لهستان، پرتغال، رومانی،

ایالات متحده، برندگان جایزه نوبل، پژوهشگران و هنرمندان و شاعران دیدگاه سکولار را اختیار میکنند.

در ایالات متحده، تعدا کرده اند و از الگوهای اخلاقی سکولاریست ها رو به افزایش سراسر سکولار و اومانستی است. تعداد کسانی که به کلیسا، پیروی می کنند. ویژگی مشخصه معبد و مسجد نمی روند به سرعت ی سکولاریست ها این است که فزونی می یابد. دین نقش ناچیزی غیر مذهبی هستند.

در زندگی اینان دارد. طبق آخرین نظرسنجی بارنا، ۴۳ درصد باید همسایگان مان را بارو حیه ی جمعیت آمریکا به معابد نمی روند. تعامل و نیکخواهی متقاعد کنیم که این افراد عضو هیچ کلیسا و موسسه ی مذهبی نیستند و بسیار به ندرت عبادت می کنند یا در مناسک جمعی حضور می یابند. شایسته ای باشیم.

این دسته سکولار هم هستند؛ گفتن اینکه شخصی سکولار است لزوماً به این معنا نیست که او بیخدا یا ضد دین است. اما به نظر من سکولاریسم می تواند آلت رناتیوهای * یادداشت:

ایجابی برای همه ی مردان و زنان فهرست کامل کشورهای سکولار ارائه دهد. بنابراین ما باید بیشتر به این قرار است: روی حمایت افراد غیر مذهبی آنگولا، بنین، بوتسوانا، حساب کنیم. در واقع، تعداد زیادی بورکینافاسو، بروندی، کامرون، از مردم عادی، اکثریت دانشمندان کیپ ورد، چاد، جمهوری

این مقاله نخست در مجله ی Free Inquiry فوریه-مارس ۲۰۰۸ با عنوان اصلی Multi-secularism: The New Agenda منتشر شده است. ^a پاول کورتز استاد بازنشسته ی فلسفه در دانشگاه نیویورک در بوفالو و سردبیر Inquiry است. [۱] les libre-penseurs. [۲] intelligent design. [۳] methodological naturalism. [۴] Planetary Ethics. [۵] militant. [۶] Seventh-day Adventists. [۷] the Human City. [۸] The City of God.

آنچه که فوقا گفتیم مثالی از یک اصل است که در علم دینامیک بسیار مفید است اصلی که می گوید زمانی که چند نیرو همزمان عمل می کنند اثر آنها مانند اثر هر یک از آن نیروها بطور تکی است. این بخشی از یک اصل عمومی است که قانون متوازی الاضلاع خوانده می شود. فرض کنید بطور مثال که روی عرشه یک کشتی قرار دارید و روی عرشه شروع به حرکت می کنید. در حالیکه شماراه می روید کشتی هم حرکت می کند بطوریکه که در ارتباط با آب - شما هم رو به جلو و هم در جهت حرکت کشتی حرکت کرده اید. اگر می خواهید بدانید در ارتباط با آب به کجا رفته اید فرض کنید که ابتدا شما ایستاده بودید و کشتی در حال حرکت بود و بعد در زمانی به همان اندازه - کشتی ساکن بود و شما روی آن حرکت می کردید. همین اصل بر نیروها هم قابل کاربرد است. با این اصل می توان کل نیروهای وارده را محاسبه کرد و پدیده های فیزیکی را تجزیه و تحلیل نمود و قوانین جداگانه ای را که اجسام در حال حرکت تحت تاثیر آنها قرار دارند - را کشف نمود. این گلیله بود که این متد بسیار بسیار مفید را ابداع کرد.

آنچه که تا بحال گفته ام تا آنجا که ممکن است سعی کرده ام با زبان قرن هفدهمی صحبت کنم. زبان مدرن از جوانب با اهمیتی متفاوت است اما برای توصیف دستاوردهای دانشمندان و علوم قرن هفدهم بهتر است که از شیوه توصیف و زبان آن زمان استفاده کرد.

قانون قوه جبر معمایی را طرح کرد که قبل از گالیله - سیستم کوپرنیک قادر به توضیح و پاسخگویی به آن نبود. همانطور که در بالا دیدیم اگر شما قطعه سنگی را از نوک یک برج پرت کنید در پائین برج به زمین می افتد و نه در غرب آن. با اینحال اگر زمین در حال چرخش است باید طی زمان افتادن سنگ - زمین کمی حرکت کرده باشد و در نتیجه سنگ کمی به سمت غرب افتاده باشد. علت اینکه چنین نمی شود این است که سنگ سرعت چرخش زمین را که قبل از اینکه به زمین بیفتد - می گیرد. در واقع اگر برج به اندازه کافی بلند بود اثر مخالف می بود. بالای برج که نسبت به مرکز زمین از کف برج دورتر است سریعتر حرکت می کند و در نتیجه سنگ کمی به سمت شرق کف برج سقوط می کند. البته این تغییر کوچکتر از آن است که قابل اندازه گیری باشد.

گالیله که سیستم هلیوسنتریک را به کار برده با کپلر مکاتبه کرده و کشفیات او را پذیرفت. گالیله با شنیدن اینکه مردی هلندی تلسکوپ را کشف کرده است خود یک تلسکوپ ساخت و سرعت چیزهای مهمی را کشف کرد. او دریافت که راه شیری از لایه هایی از ستارگان جداگانه تشکیل شده است. گالیله فاز ونوس را که در تئوری کوپرنیک ملحوظ بود اما با چشم غیر مسلح قابل مشاهده نبود را مشاهده نمود. گالیله قمرهای ژوپیترا را کشف کرد و به افتخار کارفرمایش "سیدرا مدیچی" نام گذاشت. معلوم شد که این قمرهای ژوپیتراز قوانین کپلر تبعیت می کنند. اما در این میان دشواری وجود داشت. همواره هفت جرم آسمانی وجود داشته است 5 سیاره بعلاوه خورشید و ماه - در نتیجه هفت عددی مقدس بوده است. آیا شبات روز هفتم نیست؟ مگر نه اینکه هفت کلیسای آسیا و شمعدان هفت شاخه داریم؟ چه چیزی می تواند موجه تر از داشتن هفت جرم آسمانی باشد؟ اما اگر چهار قمر ژوپیترا را اضافه کنیم تعداد اجرام II می شود که هیچ خاصیت عرفانی ندارد. بر این اساس سنت گرایان تلسکوپ را محکوم کردند. از دیدن آسمان از طریق آن خودداری کردند و اظهار کردند که تلسکوپ فقط خیالهای باطلی را نشان می دهد و گمراه کننده است. گالیله به کپلر نامه نوشت و آرزو کرد که کاش می توانستند با هم حسابی

سمت مرکز دایره است. در زبان رایج قبل از این دوره ما می توانستیم بگوئیم که حرکات یکنواخت و یکسان در یک خط مستقیم "طبیعی" تلقی می شدند چه در روی زمین و چه در آسمانها. این حرکات برای اجسام آسمانی در مسیر دایره وار و برای اجسام زمینی در مسیری مستقیم تلقی و تصور شده اند اما در مورد اجسام زمینی اینطور فکر می شد که اگر به حال خود گذاشته می شدند حرکت شان متوقف می گشت. گالیله علیه این دیدگاه و بر این باور بود که هر جسمی اگر به حال خود گذاشته شود به حرکت خود در یک مسیر مستقیم با سرعتی یکنواخت ادامه خواهد داد. هر تغییری چه در سرعت یا جهت حرکت باید با عملکردی که ناشی از "نیروهایی" هست - توضیح داده شود. این اصل توسط نیوتون بعنوان قانون اول حرکت اعلام شد. این اصل قانون Inertia قوه جبر هم خوانده شد. من بعدا به این بازخواهم گشت. اما ابتدا باید درباره جزئیات کشفیات گالیله بگوئیم.

گالیله اولین کسی بود که قانون سقوط اجسام را اعلام و تثبیت کرد. این قانون با مفهوم "شتاب" بسیار ساده قابل توضیح است. قانون سقوط اجسام می گوید وقتی جسمی آزادانه می افتد شتاب آن به استثنای زمان اثر مقاومت هوا - ثابت است. بعلاوه شتاب برای همه اجسام یکی است چه سبک و چه سنگین یا چه کوچک و چه بزرگ باشند. اثبات کامل این قانون تا زمان کشف پمپ هوا یعنی تا 1654 امکان پذیر نبود. پس از کشف پمپ هوا مشاهده سقوط اجسام در آنچه که عملا یک خلا بود امکان پذیر گردید و معلوم شد که پر با همان سرعتی که سرب سقوط می کند - می افتد. آنچه که گالیله ثابت کرد این بود که تفاوت قابل اندازه گیری ای بین مقادیر کوچک و بزرگ از یک ماده معین وجود ندارد. تا قبل از گالیله تصور می شد که مقدار بزرگ سرب سریعتر از مقدار کوچکتر آن سقوط می کند. اما گالیله با تجربه و آزمایش ثابت کرد که چنین نیست. اندازه گیری در زمان او کار دقیقی که الان هست نبود - معهدا او قانون صحیح سقوط اجسام را کشف کرد. اگر جسمی آزادانه در خلا سقوط می کند سرعت آن با یک نرخ ثابت افزایش می یابد. در انتهای اولین ثانیه سرعت آن 32 فوت - 1056 متر در ثانیه است. در انتهای ثانیه بعد - سرعت 64 فوت در ثانیه و در ثانیه سوم 96 فوت در ثانیه می شود و الی آخر. شتاب یعنی نرخ که سرعت با آن افزایش می یابد همیشه یکسان است در هیر ثانیه - افزایش سرعت حدودا 32 فوت در ثانیه است.

گالیله همچنین مکانیسم سلاحهای پرتابی را مطالعه کرد که موضوع مهمی برای کارفرمایش دوک توسکانی بود. تصور می شد که یک خمپاره که افقی شلیک شود برای مدتی افقی حرکت می کند و سپس ناگهان شروع به سقوط عمودی می کند. گالیله نشان داد که جدا از مقاومت هوا - شتاب افقی در انطباق با قانون جبر - اینرشیا - ثابت خواهد ماند اما سرعت عمودی هم اضافه خواهد شد که در تطابق با قانون سقوط اجسام افزایش خواهد یافت. برای اینکه دریابیم یک خمپاره در یک زمان کوتاه مثلا یک ثانیه پس از مدتی که در هوا بوده چگونه حرکت خواهد کرد این ترتیب را خواهیم دید: اول - اگر در حال افتادن نباشد یک فاصله افقی معینی را خواهد داشت که برابر است با اولین ثانیه حرکت آن. دوم - اگر حرکت آن افقی نبود و فقط در حال سقوط بود این خمپاره بطور عمودی با سرعتی متناسب با زمانی که پرتاب آن آغاز شده سقوط می کند که در واقع تغییر مکان آن چیزی می بود اگر ابتدا افقی به مدت یک ثانیه و با سرعتی متناسب با زمانی که طی آن در حال پرتاب بود - حرکت می کرد. یک محاسبه ساده نشان می دهد که دور متعاقب آن یک سهمی - parabola است و این مساله از طریق مشاهده اثبات و قطعی شده است.

عروج علوم از تاریخ فلسفه غرب اثر برتراند راسل

فصل ششم از بخش تاریخ مدرن

ترجمه: اعظم کم گویان

قسمت دوم

محیط دایره دیگری است. مدار ماه در ارتباط با خورشید تقریباً از این نوع است: تخمیناً زمین حلقه‌ای حول خورشید و ماه در عین حال حلقه‌ای به دور زمین است. اما این صرفاً یک تخمین است. با دقیق‌تر شدن مشاهده معلوم شد که هیچ سیستمی از حلقه‌های فوقا گفته شده کاملاً با واقعیت و داده‌ها خوانائی ندارند. فرضیه کپلر بیشتر در تطابق با موقعیتهای دیده شده و ثبت شده کره مریخ قرار داشت تا در تطابق با آنچه که پتولمی یا کپرنیک تا آن زمان ارائه کرده بودند.

جایگزینی مدارهای بیضی وار به جای مدارهای دایره‌ای (حلقه‌ای) موجب کنار گذاشتن عامل زیبایی شناسانه از ستاره شناسی گردید - مساله‌ای که صحت علمی فرضیه‌ها را در ستاره شناسی از زمان فیثاغورث مخدوش کرده بود. دایره (حلقه) یک شکل کامل و بی عیب و نقص بود و مدارهای سماوی بدنه‌های کاملی بودند ابتدائاً خدایان بودند. تردیدی در این نمی‌شد که یک بدنه بی عیب باید در مدار و شمالی کامل و بی عیب به حرکت درآید. بعلاوه از آنجا که بدنه‌های بهشتی و اسمانی آزادانه حرکت می‌کنند - بدون اینکه کشیده شوند یا هول داده بشوند - حرکت آنها باید "طبیعی" بوده باشد. در زمان حاضر ساده است تصور کنیم که "دایره" طبیعی است اما بیضی طبیعی نیست. از این رو باید تعصبات ریشه دار متعددی باید کنار گذاشته می‌شدند تا قانون اول کپلر بتواند مورد قبول قرار بگیرد. هیچیک از فلاسفه عتیق نه حتی آریستارکوس چنین فرضیه‌ای را تصور می‌کرده است.

قانون دوم کپلر مربوط به سرعت سیاره در نقاط مختلف مدار آن است. اگر S خورشید و P_1, P_2, P_3, P_4 و P_5 موقعیت سیاره در فاصله‌های زمانی یکسان مثلاً در فاصله یک ماه هستند قانون کپلر می‌گوید که حوزه‌های فوقا گفته شده از یک تا پنج همه با هم برابرند. در نتیجه سیاره وقتی که در نزدیکترین نقطه به خورشید قرار بگیرد دارای بیشترین سرعت خواهد بود و وقتی در دورترین نقطه از آن قرار بگیرد کمترین سرعت را دارد. این هم برای آن زمان اعجاب انگیز بود "یک سیاره می‌بایست ثابت آن باشد نه اینکه زمانی سریع و زمان دیگر کند باشد.

قانون سوم مهم بود چون حرکت سیارات مختلف را مقایسه می‌کرد در حالیکه دو قانون اول به چند سیاره بطور تکی می‌پرداختند. قانون سوم می‌گوید: اگر فاصله متوسط یک سیاره از خورشید T است و فاصله سال آن است T^3 به توان S تقسیم بر T^3 به توان دو برای سیارات گوناگون یکسان است. تا آنجا که به منظومه شمسی مربوط است این قانون توسط قانون جاذبه نیوتون تائید شد. اما بعداً درباره این نکته صحبت می‌کنیم.

گالیله (1564-1642) باستثنای نیوتون بزرگترین موسس علوم مدرن است. گالیله در روزی بدنی آمد که میکال آنژ درگذشت و خود در سالی درگذشت که نیوتون متولد شد. او بعنوان یک ستاره شناس اهمیت دارد و شاید بیشتر بعنوان پایه گذار علم دینامیک مهم است.

گالیله ابتدا اهمیت شتاب را در دینامیک کشف کرد. شتاب یعنی تغییر در سرعت چه در جهت و چه در مقدار. از این رو یک جسم که یکنواخت در دایره‌ای حرکت می‌کند در همه اوقات دارای

اهمیت تیکو براهه در تئورسین بودن وی نبود بلکه در مشاهده گر بودن وی بود. ابتدا زیر سایه شاه دانمارک سپس در دربار امپراطور رودلف دوم به فعالیت خود مشغول بود. تیکو براهه یک کاتالوگ (لیست اسامی و مشخصات) از ستارگان تهیه کرد و موقعیت سیاره‌ها را طی سالها مشاهده و یادداشت کرد. در سالهای آخر عمرش کپلر که مرد جوانی بود دستیار وی شد. مشاهدات تیکو براهه برای کپلر فوق العاده با ارزش بود.

کپلر (1571-1630) یکی از قابل توجه ترین نمونه‌ها در این مورد است که چگونه با شکیبائی و بدون نبوغ عجیب و خاصی می‌توان دستاوردهای زیادی داشت. او اولین ستاره شناس مهم پس از کپرنیک بود که تئوری هلیوسنتریک را به کار برد اما اطلاعات تیکو براهه نشان داد که با فورم و شکلی که کپرنیک به این تئوری داده این تئوری نمی‌تواند کاملاً صحیح باشد. کپلر تحت تاثیر فیثاغورثیسم بود و کم و بیش متمایل و مجنون آئین عبادت خورشید بود در عین حال که یک پروتستان خوب بود. بدون تردید این انگیره‌ها وی را در مورد فرضیه هلیوسنتریک جهت دار و با غرض کرد. فیثاغورثیسم کپلر او را متمایل به پیروی از افلاطون کرد که فرض می‌کرد که اهمیت هستی به پنج اصل دارای انتظام مربوط است.

دستاورد بزرگ کپلر کشف سه قانون حرکت سیاره‌ای بود. دو قانون از این سه قانون را او در سال 1609 منتشر کرد و سومی را در 1619 انتشار داد. قانون اول اومی گوید: سیاره‌ها - مدارهای بیضی واری دارند که خورشید یکی از این مدارها را اشغال کرده است. قانون دوم او اعلام می‌کند: خطی که یک سیاره را به خورشید وصل می‌کند سطح‌های یکسان را در زمانهای یکسان طی می‌کند. قانون سوم می‌گوید: سطح دوره حرکت یک سیاره متناسب است با حجم فاصله متوسط آن از خورشید.

باید مقداری در مورد اهمیت این قوانین بگوئیم:

دو قانون اول در زمان کپلر فقط در مورد کره مریخ (مارس) می‌توانستند اثبات شوند. مشاهدات کپلر با آنها خوانائی داشت اما نه بطوریکه بتوان آنها را قطعاً تثبیت کرد. البته مدت زیادی طول نکشید و قطعیت در مورد آنها هم به نتیجه و فرجام رسید.

کشف قانون اول که می‌گوید سیاره‌ها در مدارهای بیضی وار حرکت می‌کنند به تلاش بزرگی در زمینه‌های از سنت نیاز داشت. مساله‌ای که برای انسان عصر مدرن بسادگی قابل تصدیق و تائید نیست. چیزی که همه ستاره شناسان بدون استثنا در مورد آن توافق داشتند آن بود که کلیه حرکات سماوی گرد و دایره‌ای هستند. وقتی که دایره‌ها و حرکات دایره‌ای دیگر قادر به توصیف حرکات سیاره‌ای نبودند دایره‌های هم محیط برای این توصیف بکار برده شدند. بطور مثال: یک چرخ بزرگ را بگیرد و آن را تخت روی زمین قرار دهید یک چرخ کوچک را بگیرد (که تخت روی زمین قرار داشته باشد) که میخی در آن فرو کرده باشید. سپس این چرخ کوچک را دور چرخ بزرگ بچرخانید بطوری که نوک میخ در تماس با زمین باشد. رد میخ روی زمین - رد یک اپی‌سایکل هست یعنی دایره‌ای که مرکزش روی